◆ یکشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۴ ◆ شماره ۲۰۳۱ ◆ سال هشتم ◆ ۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ ◆ ۳۱ آگوست ۲۰۲۵ ◆ ۸ صفحه ◆ ۱۰۰۰۰ تومان

اتحاد ملت

روزنامه صبح ایران

طلای سیاه در انتظار سرنوشت صلح روسیه و اوکراین

ترامپ همچنان با تهدید تعرفه‌ای قیمت نفت را بالا می‌برد!

صفحه ۴

«اتحادملت» چالش‌های قشر کم‌درآمد جامعه در آستانه بازگشایی مدارس بررسی می‌کند

نگرانی کارگران از هزینه تحصیل فرزندان

صفحه ۳

نگرانی‌های اروپا و ایران پس از فعال‌سازی «مکانیسم ماشه»

۳۰ روز تعیین کننده!

اتحادملت - گروه بین‌الملل؛ سه کشور اروپایی، فرانسه، آلمان و بریتانیا، با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل اقدام به فعال‌سازی «مکانیزم ماشه» کردند تا تحریم‌های تعلیق‌شده علیه ایران طی ۳۰ روز احیا شود. همزمان این کشورها آمادگی خود را برای گفت‌وگو در راستای دستیابی به توافقی جدید اعلام کردند. آمریکا از این حرکت استقبال کرده، در حالی که ایران آن را «تنش‌زا» ارزیابی کرده و هشدار داده است که سطح همکاری‌هایش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ممکن است کاهش یابد. کارشناسان بر این باورند که بازگشت تحریم‌ها فشار اقتصادی و سیاسی بر ایران را تشدید کرده و شاید زمینه را برای تقابل یا حتی رویارویی نظامی فراهم کند.

روز پنج‌شنبه، سه کشور اروپایی طی اعلامیه‌ای رسمی به اعضای شورای امنیت اظهار داشتند که «مکانیزم ماشه» برای بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، بار دیگر اجرایی شده است. به گفته این کشورها، فرآیند بازگشت تحریم‌ها طی ۳۰ روز تکمیل خواهد شد. در این فاصله، آن‌ها اعلام آمادگی کرده‌اند برای دستیابی به توافقی جدید با تهران وارد مذاکره شوند؛ توافقی که می‌تواند از اجرای کامل تحریم‌ها جلوگیری کند.

از سوی دیگر، مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا، این اقدام اروپا را نشانه‌ای از عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای دانسته و خاطرنشان کرده است که واشنگتن همراه با اروپا و دیگر اعضای شورای امنیت برای اعمال مجدد تحریم‌ها همکاری خواهد کرد.

شرح در صفحه ۷

همزمان با هفته دولت بررسی شد

دولت چهاردهم فرصت‌ها و چالش‌ها

صفحه ۲

صفر تا صد ماجرای بابک زنجانی

متهم دیروز شاکی امروز!

صفحه ۵

ژانر کمدی در سینمای ایران باید پوست‌اندازی کند

خنده‌های یک‌بار مصرف

صفحه ۸

سخن نخست

به‌قلم: محمدرضا طورانی

اَسب تروای عملیات روانی نفوذی ها

تشخیص یک پروژه عملیات روانی نیازمند تحلیل چند لایه از پیام، بستر، هدف و تکنیک‌های روایت سازی است. اگر بخواهیم این تشخیص را براساس رویدادهای اتفاق افتاده صورت بندی کنیم، می‌توان ۵ معیار مهم را مطرح کرد که در کنار یکدیگر هشدار دهنده هستند.

۱) ورود با هویت مبهم اما جذاب

در پروژه های عملیات روانی، ممکن است فردی با نام خارجی ، سابقه ادعایی دانشگاهی، سابقه نوشتن برای رسانه های مختلف و ظاهر تحلیل‌گر بی طرف ، وارد فضای رسمی شود.

ادامه در صفحه ۲

اخبار

واکنش نمایندگان مجلس به فعال‌سازی مکانیسم ماشه

زیر بار زور نمی‌رویم

تعدادی از نمایندگان مجلس، اقدام تروئیکای اروپایی در فعال‌سازی اسنپ‌بک را سیاسی و غیرقانونی دانستند و تاکید کردند که ایران زیر بار زور نمی‌رود.

به گزارش ایسنا، پنج‌شنبه ۶ شهریور، سه کشور اروپایی عضو برجام شامل آلمان، انگلیس و فرانسه موسوم به تروئیکای اروپایی، نامه‌ای به اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال و اعلام کردند که روند سازوکار اسنپ‌بک را برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران فعال کرده‌اند.

وزارت امور خارجه در واکنش، در بیانیه‌ای اعلام کرد که اعلان غیرقانونی فرانسه، آلمان و انگلیس به شورای امنیت در ارتباط با قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) را قاطعانه رد و به شدیدترین شکل ممکن محکوم می‌کند. تعدادی از نمایندگان مجلس نیز در صفحات شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس، به فعال سازی مکانیسم ماشه واکنش نشان دادند که در زیر می‌خوانید.

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی: « اقدام تروئیکای اروپایی در فعال‌سازی اسنپ‌بک، سیاسی و غیرقانونی است و صرفاً عزم ایران را برای توسعه برنامه هسته‌ای محکم‌تر خواهد کرد. غربِ وحشی خود هزاران بمب اتمی دارد اما می‌خواهد مانع دستیابی ایران به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای شود! زیر بار زور نمی‌رویم.»

احمد نادری عضو هیات رئیسه مجلس: «فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه ایران، آن‌هم در شرایطی که همه فعالیت‌های هسته‌ای ما تحت نظارت آژانس بوده و آمریکا آشکارا به آن حمله کرده، نشانه اوج وارونگی معیارهای حقوقی غرب است. اروپا، بازوی سیاسی واشنگتن در مهندسی جنگ و تحریم است. این خیانت، سقوط کامل ادعای استقلال اروپا را ثبت کرد.»

علیرضا سلیمی عضو هیات رئیسه مجلس: «سه کشور اروپایی در یک فرایند غیر فنی و غیر حقوقی بدنبال اجرای اسنپ بک هستند جالب است آنان که خود به تعهدات خویش عمل نکرده‌اندامروز در لباس مدعی و قاضی ظاهر شده‌اند!!! دزد قاتل وقتی خود قاضی است، خنده دار است. بدانند ایران در این میان دست بسته نیست.»

محسن زنگنه نماینده تربیت حیدریه: «آوردن مکانیسم ماشه در برجام یک اشتباه و خسارت بود. اما امروز بزرگ جلوه دادن و ترساندن بیخود جامعه از عواقب آن با هر هدف سیاسی،اشتباهی بزرگتر بوده، می تواند خسارتی فراتر از تحریم ها و قطعنامه ها،به بار آورد. اسنپ بک را آنچه هست به مردم بگوییم نه آنچه ما می خواهیم باشد.»

یادداشت

به‌قلم: محمدمهدی سیدناصری / پژوهشگر حقوق بین‌الملل کودکان

بازی به مثابه حق بنیادین کودکان

بازی برای کودک مانند زبانِ نخستِ اوست؛ راهی برای کشفِ جهان، ساختِ معنا، تمرینِ نقش‌های اجتماعی و پرورشِ خلاقیت. با این حال در ایران همانند بسیاری از کشورها بازی اغلب به چشم «تفریحِ اضافی»، «فرصت‌زمانیِ آزاد» یا امری خصوصی و خانواده‌ای نگریسته می‌شود، نه به‌عنوان یک حقِ فرهنگی و نهادی که باید توسط سیاست‌گذار تضمین و سازماندهی شود. این غفلت ساختاری، پیامدهایی فراتر از کمبود زمین‌بازی دارد: از فرسایشِ خلاقیت تا ناتوانی در پرورشِ مهارت‌های اجتماعی و فرهنگیِ پایدار. بر پایه تعهدات بین‌المللی از جمله حقِ بازی در کنوانسیون حقوق کودک دولت‌ها مسئول فراهم‌کردنِ فضای مناسبِ بازی‌اند؛ اما گزارش‌ها و پژوهش‌های تازه نشان می‌دهد این حقوق در عمل کمتر مورد توجهِ سیاست‌گذاری قرار گرفته است.

چرا «بازی» بیش از تفریح است؟ شواهدِ علمی

پژوهش‌های نوین نشان می‌دهد بازی به‌ویژه بازیِ نمادین و آنگونه که کودکان خود سازمان می‌دهند، پایه‌هایِ خودآگاهی، کنترلِ هیجان، توانِ حلِ مسأله و مهارت‌های اجتماعی را می‌سازد. مطالعاتِ روان‌شناختیِ اخیر ارتباطِ بین بازیِ نمایشی (خلاقانه) و رشدِ تنظیمِ خود را نشان داده‌اند؛ یعنی کودکانی که بیشتر فرصتِ بازیِ آزاد و بازنماییِ نقش‌ها را دارند، در آزمون‌های خودتنظیمی و توجهِ اجرایی عملکردِ بهتری نشان می‌دهند. این یافته‌ها اهمیتِ بازی را نه فقط برای «شادکامی» که برای ظرفیت‌های یادگیری و سلامتِ روان تأیید می‌کنند. علاوه بر این، مفهومِ «یادگیری از طریق بازی» اکنون در سیاست‌های آموزشِ جهان به‌عنوان راهبردی مؤثر برای مشارکت، شمول و پرورشِ مهارت‌های اجتماعی-عاطفی مطرح است؛ بدین معنا که بازی در مدرسه نیز می‌تواند به‌گونه‌ای هدفمند و پُرمعنا وارد برنامه‌های درسی شود و نه این‌که صرفاً در حیاط رها شود.

شکافِ سیاستی: حقِ بازی در اسناد، غیبت در برنامه‌ها

کنوانسیون حقوق کودک، صریحاً حقِ کودک را برای استراحت، تفریح و مشارکت در زندگی فرهنگی و هنری به رسمیت شناخته است؛ یعنی بازی جزوِ حقوقِ اساسیِ کودک است و دولت‌ها موظف‌اند زمینهٔ تحققِ آن را فراهم کنند. اما بررسیِ گزارش‌های دولتی و بودجه‌ریزیِ مرتبط نشان می‌دهد تخصیصِ منابعِ مشخص برای تولید و نگهداریِ فضاهای بازی، برنامه‌های حمایتیِ محله‌ای و توسعه سیاست‌های بازی‌محور به شکل نظام‌مند در بسیاری از کشورها، از جمله در گزارش‌های مستقل، اندک است؛ این کم‌توجهی در نتایج ملی نیز بازتاب می‌یابد. در ایران نیز پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که الگوهای بازی در شهرها تحت تأثیر کمبود فضا، نگرانی‌های ایمنی، و تغییر سبک زندگی شهری قرار گرفته‌اند. گزارش‌های میدانی از شهرهایی مانند اهواز و همدان نشان می‌دهد الگوی بازیِ کودکان به‌خاطر محدودیت‌های شهری و نگرانی‌های پدر و مادران محدود شده و تجهیزاتِ موجود گاه استانداردهای ایمنی و دسترسی را ندارند؛ این وضعِ عینی نیازمند توجهِ سیاستی است.

پیامدهای فرهنگی و اجتماعیِ نادیده‌گرفتنِ بازی

وقتی بازی به‌عنوان حق فرهنگی نادیده گرفته می‌شود، آثار زیر آشکار می‌شود:

فرسایشِ خلاقیت و بدیل‌سازیِ فرهنگی: بازی محلی برای بازآفرینیِ افسانه‌ها، قصه‌ها و آدابِ جمعی است. فقدانِ فضای بازی، به‌معنای کاهش انتقالِ فرهنگیِ غیررسمی میان نسل‌ها و در نتیجه تهی شدنِ تجربه‌های جمعیِ فرهنگی است. ضعفِ مهارت‌های اجتماعی: بازی گروهی مهارت‌هایی مانند تقسیمِ نقش، مذاکره، همدلی و حلِ تعارض را می‌آموزد؛ بدون این زمینه‌ها، کودک وارد جامعه‌ای می‌شود که فاقد ظرفیت‌های بنیادینِ همزیستیِ مدنی است.

نابرابریِ دسترسی: بازیِ با کیفیت و فضای امنِ بازی به‌شدت نابرابر توزیع شده؛ کودکِ حاشیه‌نشین یا کم‌برخوردار، فرصتِ کمتری برای تجربه‌های بازیِ غنی دارد و این خود به چرخه نابرابریِ آموزشی و سلامت می‌انجامد. مطالعاتِ اخیر درباره «عدالت در بازی» این نگرانی را تأیید می‌کند.

مانع‌ها و عللِ کم‌توجهی در ایران

چند عامل اصلی توضیح می‌دهد چرا بازی در سیاست‌های فرهنگی و شهری ایران جدی گرفته نشده است:

سنتِ آموزشی آزمون‌محور: تمرکزِ نظام آموزشی بر نتایج آزمون و آمادگیِ تحصیلی فضای مدرسه را از فعالیت‌های مشارکتی و بازی‌محور خالی کرده است.

نداشتنِ چارچوبِ ملی برای بازی: نبودِ یک «سیاستِ ملیِ بازی» که مشخص کند چه میزان فضا، زمان و بودجه برای بازیِ کودکان لازم است، مانعِ هم‌افزایی بین نهادها شده است. نگرانی‌های ایمنی و فرهنگی خانواده: ترس از آسیب یا تأثیرات نامطلوب رسانه‌ای و فضای شهری موجب محدودسازیِ بازیِ آزاد در خانواده‌ها شده است؛ در نتیجه مسئولیتِ بازی به شکلِ بارِ خانواده‌ها محول شده است.

کمبودِ فضای عمومیِ استاندارد و دسترسی‌پذیر: شهرسازیِ معاصر و اولویت‌های سرمایه‌گذاریِ شهری اغلب فضاهای بازی را حذف یا غیراستاندارد ساخته است. برخی پژوهش‌ها نیز ایمنی تجهیزات و دسترسی را چالش‌برانگیز نشان می‌دهند.

راهکارهای عملی و سیاستی: تبدیلِ بازی به یک وظیفه عمومی

برای تغییر این مسیر ضروری است هم سیاست‌گذاری کلان و هم مداخلات خرد اجرا شود. پیشنهادهای زیر بر اساس شواهدِ علمی و تجربه‌های بین‌المللی تنظیم شده و با ظرفیت‌های ملیِ ایران قابلِ بومی‌سازی است:

الف) تدوینِ «راهبردِ ملیِ بازی»

تهیه و تصویبِ سندی که بازی را به‌عنوان حقِ فرهنگیِ کودک در برنامه‌های کلانِ فرهنگی، آموزشی و شهری درج کند؛ سند باید اهدافِ کمی (مقدار فضای بازی به ازای هر کودک، سقفِ زمان مدرسه برای بازی آزاد) و معیارهای کیفی (تنوعِ بازی، دسترسیِ برابر، ایمنی) را تعیین کند. (الگوها و چارچوب‌های بین‌المللی وجود دارد که می‌توان از آنها استفاده کرد).

ب) بازآراییِ زمانی و برنامه مدرسه

الزام مدارس به گنجاندن روزانه زمانِ حداقلیِ بازیِ آزاد و ساختارمند؛ آموزش معلمان برای طراحیِ فعالیت‌های بازی‌محورِ یادگیرنده (روشِ «یادگیری از طریقِ بازی»). این تغییر هزینه‌بر نیست و نتایجِ یادگیری را نیز تقویت می‌کند.

پ) توسعه فضاهای بازی عادلانه و ایمن

برنامه ملی برای توسعه پارک‌ها و زمین‌های بازیِ استاندارد، با تاکید بر مناطقی که از خدماتِ شهری محروم‌اند؛ تدوینِ استانداردهای ایمنیِ تجهیزات و نظارتِ مستمر بر اجرای آنها. حمایت از سرمایه‌گذاریِ خرد محله‌ای و تشویقِ مشارکتِ مردمی در نگهداریِ فضاها می‌تواند سرعتِ اجرا را افزایش دهد.

ت) سیاستِ رسانه‌ای و فرهنگیِ بازی

ترویجِ روایت‌های رسانه‌ای که بازی را به‌عنوان عنصرِ فرهنگی و تربیتی برجسته می‌کنند؛ تولیدِ محتوای کودکِ ایرانی که بازی‌های سنتی و محلی را احیا کند و جایگزینِ محتوای صرفاً مصرفی شود.

ث) عدالت در دسترسی: هدف‌گذاریِ ویژه برای مناطق محروم

تخصیصِ بودجه ویژه برای ایجاد فضاها و برنامه‌های بازی در مناطق کم‌برخوردار؛ اجرای طرح‌های همراه با مشارکتِ خانواده و سازمان‌های محلی برای تضمین دوامِ برنامه‌ها. تحقیقات نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در بازیِ کیفی بازگشتِ اجتماعی و سلامتِ بلندمدت دارد.

ج) پژوهش و پایش

راه‌اندازیِ سامانه ملیِ پایشِ حقوقِ بازی: شاخص‌هایی مانند نسبتِ فضای بازی به کودک، سهمِ زمانِ روزانه کودک برای بازیِ آزاد، دسترسیِ برابر و کیفیتِ برنامه‌ها باید سالانه منتشر شود تا سیاست‌ها مبتنی بر شواهد باشند.

پاسخ به برخی مقاومت‌ها و بی‌توجهی‌ها!

«اولویت ما آموزشِ رسمی و نمره است.» مستندات علمی نشان می‌دهد بازی آموزنده است و مهارت‌های اجتماعی و شناختی را تقویت می‌کند؛ بنابراین بازی مکمل و تقویت‌کننده اهدافِ آموزشی است نه رقیبِ آن. «ایمنیِ بچه‌ها خط قرمز است.» استانداردسازی تجهیزات و آموزشِ ناظرینِ محلی می‌تواند ریسک‌ها را کاهش دهد؛ کنارِ این، طراحیِ فضاهای بازی امن ولی فرنگی‌زده نیست بلکه با توجه به فرهنگِ محلی شکل می‌گیرد.

بازی ساده‌تر از آن است که آن را به «ساعت تفریح» تقلیل دهیم و مهم‌تر از آن است که به تقلیلِ آن رضایت دهیم. بازی حقِ فرهنگیِ کودک است؛ حقی که تضمین‌کننده خلاقیت، هنرِ زیستنِ جمعی، و سلامتِ روان فردا است. اگر امروز بازی را وارد کانونِ سیاستگذاریِ ملی کنیم با سندِ راهبرد، مکان‌یابیِ عادلانه، بودجه پایدار و آموزشِ معلمان فردا نسلی خواهیم داشت که علاوه بر کسب دانش، قادر به ساختنِ معنا، همزیستیِ خلاق و حفظِ میراثِ فرهنگیِ خویش خواهد بود. سیاست‌گذارانی که از این فرصت چشم‌پوشی کنند، نه تنها رفاهِ لحظه‌ایِ کودکانِ امروز را تهدید کرده‌اند، که سرمایه معنویِ جامعه فردا را نیز به خطر انداخته‌اند. زمان آن است که بازی را جدی بگیریم نه به‌عنوان لوکس، بلکه به‌عنوان الزامِ حقوقِ کودک و سرمایه‌گذاریِ فرهنگی کشور.

یادداشت

حسین آخانی

وقتی از درخواست رئیس جمهور رنج می برم

چراغ روشن، شیر آب باز و هر چه نشانه بی توجهی به انرژی و آب است در جای جای کشور بخصوص در محیط های دولتی مانند دانشگاهها بیداد می کند.

ریشه این بی توجهی در عدم فهم مدیران و کنار گذاشتن اکثریت کشور از حق مشارکت در ساخت و حفظ ایران است.

هر آدم عاقلی می داند که در دنیای امروز تولید انرژی و رساندن آب در کشور خشکی چون ایران بسیار سخت وپر هزینه است.

آنچه هر روز من را رنج می دهد این است که رئیس جمهور برای حل این مشکلات دست به دامن ما دانشگاهی ها شده است. یا او هنوز از توانمندی دانشگاه خبر ندارد و یا می خواهد زیر بغل ما هندوانه بگذارد. مسئله این نیست که در دانشگاه ها آدم های با سواد و کاردان - هر چند اندک - وجود ندارد. مسئله این است که ساختار استخدام و گزینش و زد و بند و جناح بازی فقط به اندک افرادی شانس می دهد که در جایگاه تصمیم گیر و مدیر باشند. گزینش های سنگین و تزریق افراد بی دانش و تحمیلی دانشگاه ها را عملا ناتوان کرده است. اندک افراد کاردان هم هر روز فقیرتر و ضعیف تر شده و یا از کشور می روند، حتی اگر نامش بهترین دانشگاه کشور با ورودی رتبه های اول کنکور باشد.

شرکت مخابرات ایران (سهامی خاص) منطقه مازندران

تجدید شماره ۱۴۰۴/۲۲

خرید فیبر نوری دراپ 2_4 و ۱۲ کر adss

جهت مصرف سطح استان

اطلاعات بیشتر :

Tci.ir یا mn.tci.ir

روابط عمومی مخابرات منطقه مازندران

کد م-۱-۷